



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی دری

فارسي دري

إِقَامَةُ الْبَرَاهِينِ عَلَى حُكْمِ مَنْ اسْتَعَاثَ بِغَيْرِ اللَّهِ

برپاداشتن دلائل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند



نویسنده جناب شیخ
عبد العزیز بن عبد الله بن باز

إِقَامَةُ الْبَرَاهِينِ عَلَى
حُكْمِ مَنْ اسْتَعَاثَ بِغَيْرِ اللَّهِ

برپاداشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر
خدا طلب یاری می کند

لِسَمَاحَةِ الشَّيْخِ الْعَلَّامَةِ
عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَازٍ
رَحِمَهُ اللَّهُ

نویسنده جناب شیخ
عبد العزیز بن عبد الله بن باز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله دوم:

در حکم استغاثه به رسول الله ﷺ

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، وعلى آله وأصحابه
ومن اهتدى بهداه.

اما بعد: روزنامه کویته «المجتمع» در شماره ۱۵ خود، مورخ ۱۹/۴/۱۳۹۰ هـ، ابیاتی را تحت عنوان: (در یادبود میلاد پرشکوه پیامبر صلی الله علیه وسلم) منتشر کرد که شامل استغاثه (فریاد درسی) از پیامبر صلی الله علیه وسلم و طلب نصرت از ایشان بود؛ برای نجات امت و یاری آن و رهایی اش از تفرقه و اختلاف که در آن افتاده است، به امضای کسی که خود را (آمنه) نامیده بود. و اینک بخشی از ابیات یاد شده:

یا رسول الله، جهانی را دریاب... که جنگ را شعله ور می سازد و در
شعله هایش می سوزد.

ای رسول الله، امتی را دریاب... که در ظلمت شک، سرگردانی اش
به درازا کشیده است.

یا رسول الله، به فریاد امتی برس که در بیراهه های اندوه، راه را گم
کرده است.

تا آنکه فرمودد:

در پیروزی تعجیل فرما، چنانکه در آن تعجیل فرمودی... در روز
بدر، آن گاه که تو را ندا کردم.

پس ذلت به پیروزی شکوهمندی مبدل گشت... همانا الله را
لشکریانی است که تو آنها را نمی بینی.

(این نویسنده اینگونه دعوت و استغاثه خود را متوجه رسول (صلی الله علیه و سلم) می سازد، و از او می خواهد که با تعجیل در پیروزی، امت را دریابد، در حالی که فراموش کرده - یا جاهل است - که پیروزی تنها به دست الله است، نه به دست پیامبر (صلی الله علیه و سلم) و دیگر مخلوقات، چنانکه الله متعال در کتاب آشکارش فرموده است:

﴿...وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾

ترجمه: (نصرت و پیروزی (برای تان) نیست مگر از جانب الله غالب با حکمت) [آل عمران: ۱۲۶]، و او جل جلاله می فرماید:

﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ...﴾

ترجمه: (اگر الله شما را یاری و مدد کند، پس هیچکس بر شما غالب نخواهد شد، و اگر شما را خوار و ترک کند، کیست که بعد از او شما را مدد کند؟) [آل عمران: ۱۶۰].

و این عمل دعا و طلب کمک، صرف نمودن نوعی از انواع عبادت به غیر الله متعال است؛ و به نص و اجماع ثابت است: که آن جایز نیست، و اینکه الله متعال خلق را برای عبادت خود آفریده، و پیامبران را فرستاده و کتاب ها را برای بیان آن عبادت و دعوت به آن نازل نموده است، طوری که می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۵۶)

ترجمه: (و من جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت

کنند.) [الذاریات: ۵۶]. الله متعال می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾

ترجمه: (و به یقین ما در میان هر امتی پیامبری را فرستادیم (تا به مردم بگویند): الله را پرستید و از طاغوت اجتناب ورزید...) [النحل: ۳۶]. الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾

ترجمه: (و پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی می فرستادیم که هیچ معبود برحق غیر از من (الله) نیست، لذا تنها مرا عبادت کنید). [الانبیاء: ۲۵]. و او جل جلاله می فرماید:

﴿الر كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلْتُ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَيْرٍ﴾^(۱) أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ﴾

ترجمه: (الر (معنای این حروف را الله می داند)، این (قرآن) کتاب است که آیات آن استوار و محکم گردیده، باز از جانب حکیم آگاه به تفصیل بیان شده است (۱)

(برای اینکه چیزی را نپرستید مگر الله را، چون من از جانب او برای شما ترساننده و مژده دهنده هستم ۲) [هود: ۱، ۲].

پس الله متعال در این آیت های قاطع (محکم) واضح نموده است که او ثقلین (انس و جن) را جز برای عبادت خویش نیافریده است، که او یکتاست و شریکی ندارد، و بیان نموده که پیامبران (علیهم الصلاة

والسلام) را برای امر به این عبادت و نهی از ضد آن فرستاده است، و او تعالی خبر داده است که آیت های کتاب خویش را محکم و مفصل بیان نموده تا غیر از او ذات پاک پرستش نشود.

و معلوم است که عبادت یعنی: توحید الله و اطاعت از او، با پذیرفتن اوامر او و ترک نواهی او، و الله متعال در آیات بسیاری به این امر کرده و از آن خبر داده است، از آن جمله: فرموده او سبحانه:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ...﴾

ترجمه: (حال آن که مأمور نبودند مگر این که الله را خالصانه عبادت کنند که برای او دین و عبادت خود را خالص سازند، و متنفر از دین های باطل باشند...) [البینه: ۵]، و این قول الله متعال:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾

ترجمه: (و پروردگارت حکم کرد که جز او چیزی را عبادت نکنید...) [الإسراء: ۲۳]، و این قول الله پاک:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ بِالْحَقِّ فَاَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۚ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۝﴾

ترجمه: (البته ما کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس الله را در حالیکه دین خود را برای او خالص گردانده ای، عبادت کن ۲)
(بدان که دین خالص مخصوص الله است و کسانی که به جای او

دوستانی گرفته‌اند (می‌گویند): ما آنان را عبادت نمی‌کنیم مگر برای آنکه ما را به الله نزدیک کنند. البته الله میان آنها دربارهٔ چیزی که در آن اختلاف می‌ورزند، فیصله خواهد کرد، یقیناً الله دروغگوی ناشکر را هدایت نمی‌کند (۳) [الزمر: ۲ - ۳].

و آیت‌ها در این معنا زیاد اند، و همه آنها دلالت بر وجوب پرستش تنها الله یکتا، و ترک پرستش غیر او از پیامبران و دیگران می‌کند. و شکی نیست که دعا از مهمترین و جامع‌ترین انواع عبادت است، پس واجب است که آن تنها با اخلاص برای الله باشد، چنانچه الله (متعال) می‌فرماید:

﴿قَادُّعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (۱۴)

ترجمه: (پس الله را بخوانید در حالیکه عبادت و طاعت را برای او خالص کرده‌اید، هر چند کافران دوست نداشته باشند) [غافر: ۱۴].
و او عزوجل می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ (۱۵)

ترجمه: (و اینکه مساجد خاص برای عبادت الله است، پس کسی دیگر را با الله مخوانید). [الجن: ۱۸]، و این رهنمود یگانه پنداشتن الله در دعاء، فراگیر تمام مخلوقات از پیامبران و غیر آنان میشود، الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ﴾ (۱۶)

ترجمه: (و (به من دستور داده شده) اینکه به غیر از الله کسی (و

چیزی) را مخوان که هیچ سود و زبانی به تو نمی رساند، اگر چنین کنی در آن صورت یقیناً از ظالمان خواهی شد). [یونس: ۱۰۶]، و این خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم است، و معلوم است که الله سبحانه و تعالی او را از شرک حفظ کرده است، و مراد از آن، هشدار به دیگران است، سپس الله جل جلاله فرمود:

﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^(۱۶)

ترجمه: (و (به من دستور داده شده) اینکه به غیر از الله کسی (و چیزی) را مخوان که هیچ سود و زبانی به تو نمی رساند، اگر چنین کنی در آن صورت یقیناً از ظالمان خواهی شد). [یونس: ۱۰۶]، و این خطاب است به پیامبر ﷺ، و مراد از آن، هشدار برای دیگران است؛ زیرا معلوم است که الله سبحانه و تعالی پیامبرش را از شرک معصوم داشته است، سپس الله تعالی در نهی و هشدار شدت نموده و فرمود:

﴿...إِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

ترجمه: (در آن صورت یقیناً از ظالمان خواهی شد.) و ظلم هرگاه مطلق ذکر شود، مراد از آن شرک اکبر است، چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿...وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

ترجمه: (و کافران همان ظالمان حقیقی اند.) [البقرة: ۲۵۴] الله متعال می فرماید:

﴿...إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

ترجمه: (چرا که شرک ظلم بزرگ است) [لقمان: ۱۳]. پس اگر سرور فرزندان آدم علیه الصلاة والسلام غیر الله را میخواند، از ظالمان می بود، پس حال دیگران چگونه خواهد بود؟!

پس از این آیات و غیر آن دانسته میشود که دعا نمودن از غیر الله از قبیل مردگان، درختان، بت ها و غیره. شرک به الله عز وجل، و منافی توحید عبادت است؛ همان توحیدی که هدف از آفرینش جن و انس، فرستادن پیامبران و نازل کردن کتاب ها میباشد، و همچنین با معنای «لا إله إلا الله» در تضاد است؛ زیرا این کلمه عبادت را از غیر الله نفی نموده و آن را تنها به الله اختصاص میدهد، چنانکه الله سبحانه و تعالی میفرماید:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾

ترجمه: (این به آن سبب است که الله همان معبود بر حق است و آنچه را که به جز او می پرستند همه باطل است، و (نیز به آن سبب است که) همان الله بلندمرتبه (و) بزرگ است). [حج: ۶۲].
و این اساس دین و پایه ملت است، و عبادات جز بعد از صحت این اصل صحیح نمی گردد، طوری که الله متعال می فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

ترجمه: (و یقیناً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده

است که اگر شرک ورزی بدون شک عمل تو تباه می‌شود و حتما از زیانکاران خواهی بود. ۶۵]. [الزمر: ۶۵]. و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿...وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

ترجمه: (و اگر (بالفرض) شرک ورزند البته آنچه انجام داده‌اند نابود می‌گردد.) [الأنعام: ۸۸].

و از آنچه گذشت روشن می‌شود که دین اسلام، و گواهی بر اینکه هیچ معبود برحق جز الله نیست، دو اصل بزرگ دارد:

اول: اینکه جز الله یگانه، کسی دیگر عبادت نشود و او شریکی ندارد؛ پس کسیکه مردگان را از انبیاء و غیر آنان، یا بت‌ها، یا درختان، یا سنگ‌ها، یا دیگر مخلوقات را فراخواند، یا از آنان فریادرسی خواست، یا با قربانی‌ها و نذرهای آنان تقرب جست، یا برای آنان نماز خواند، یا برای آنان سجده کرد؛ در حقیقت آنها را به جای الله پروردگاران گرفته، و آنها را همتای او سبحانه و تعالی قرار داده است، و معنی لا اله الا الله را نقض و نفی نموده است.

دوم: الله متعال عبادت نشود مگر به شریعت پیامبر و فرستاده اش صلی الله علیه وسلم، پس هرکس در دین بدعتی را ایجاد کند که الله به آن اجازه نداده است؛ معنای شهادت "أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ" را محقق نساخته است، و عملش برایش سودی ندارد و از او پذیرفته نمی‌شود، الله جل جلاله می‌فرماید:

﴿وَقَدْ مَنَّا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا﴾

ترجمه: (و ما به (محاسبه) تمام اعمالی که آنان انجام داده بودند، می‌پردازیم. باز آن را چون غبار برباد رفته می‌گردانیم. ۲۳) [الفرقان:

[۲۳]، و مقصود از اعمال مذکور در آیه، اعمال کسی است که در حال شرک ورزیدن با الله عز وجل بمیرد،

و همچنان در آن داخل است: اعمال بدعتی که الله به آن اجازه نداده است، که در روز قیامت مانند گرد و غبار پراکنده می گردد، زیرا با شریعت پاک او مطابقت ندارد، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که در دین ما نوآوری کند که در آن نباشد، مردود است». بر صحت آن اتفاق شده است.

خلاصه سخن این است که: این نویسنده استغاثه و دعای خود را متوجه رسول صلی الله علیه وسلم نموده، و از پروردگار جهانیان روی گردانیده است؛ ذاتی که نصرت و ضرر و نفع به دست اوست، و در دست غیر او چیزی از آن نیست.

و شکی نیست که این ظلم بزرگ و وخیمی است، و الله (عزوجل) به دعا خواندن خویش (سبحانه) امر کرده، و به کسی که او را بخواند وعده اجابت داده است، و کسی را که از آن ابا ورزد به دخول جهنم تهدید نموده است، چنانچه الله (عزوجل) می فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿۶۰﴾

ترجمه: (و پروردگارتان می فرماید: مرا به دعا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم، بی گمان آنانکه از عبادت من تکبر می ورزند، به زودی با خواری و ذلت وارد دوزخ می شوند.) [غافر: ۶۰] یعنی: خوار و ذلیل، پس این آیه مبارکه دلالت میکند بر اینکه دعا عبادت است، و اینکه هرکس از آن ابا ورزد، جایگاهش جهنم می باشد، پس اگر این حال کسی است که از دعای الله متعال ابا می ورزد، پس حال کسی که

غیر او را می خواند و از او روی می گرداند، چگونه خواهد بود، در حالیکه او ذات پاک، نزدیک، مالک هر چیز و بر هر چیز تواناست، چنانکه الله متعال میفرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (۱۸۶)

ترجمه: (و چون بندگانم درباره من از تو سوال کنند، پس (به ایشان بگو) من به آنها نزدیک ام و دعای دعاکننده را هرگاه مرا بخواند قبول می کنم، پس باید آنها (نیز) فرمان مرا قبول کنند، و باید به (وحدانیت) من یقین داشته باشند تا راه یابند (و کامیاب شوند). [البقرة: ۱۸۶]، و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح خبر داده است که دعا عین عبادت است، و به پسر کاکای ایشان عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرمودند: «الله را حفظ کن، او تو را حفظ می کند، الله را حفظ کن، او را نزد خود خواهی یافت، اگر خواستی از الله بخواه، و اگر کمک می خواهی از الله یاری بگیر.» به روایت ترمذی و دیگران

و او صلی الله علیه وسلم فرمود: «هر کسی در حالی بمیرد که با الله شریک را می طلبد؛ وارد آتش می شود». به روایت بخاری، و در صحیحین از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که از ایشان پرسیده شد: کدام گناه بزرگتر است؟ ایشان فرمودند: «که برای الله متعال شریک را اختیار کنی در حالی که او تو را آفریده است». ید: یعنی نظیر و مانند، پس هر کسیکه جز الله کسی دیگر را بخواند، یا از او فریادرسی بخواهد، یا برای او نذر کند، یا برای او قربانی کند، یا غیر از موارد پیشین، نوعی از عبادت را برای او انجام دهد؛ در حقیقت او

را برای الله همتا قرار داده است، خواه پیامبر باشد، یا ولی، یا فرشته، یا جن، یا بت، یا غیر اینها از مخلوقات.

و در اینجا ممکن است کسی بگوید: پس حکم سؤال از شخص زنده و حاضر در مورد آنچه که بر آن قادر است، و کمک خواستن از او در امور حسی که توانایی آن را دارد چیست؟ جواب این است که: این کار از شرک نیست، بلکه از امور عادی و جایز میان مسلمانان است، چنانکه الله متعال در قصه موسی می فرماید:

﴿...فَاسْتَعَاثُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ...﴾

ترجمه: (و آن که از قومش بود، از موسی علیه آنکه از دشمنش بود کمک خواست...) [القصص: ۱۵]، و همچنان فرموده الله متعال در قصه موسی علیه السلام:

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ...﴾

ترجمه: (پس موسی از شهر بیرون شد، درحالیکه ترسان و نگران بود...) [القصص: ۲۱]. و همانطوریکه انسان از یارانش در جنگ، و در دیگر اموری که برای مردم پیش می آید و در آن به یکدیگر محتاج اند، کمک میخواهد.

و الله متعال به پیامبرش ﷺ امر نموده است تا به امتش خبر دهد که برای کسی توان نفع و ضرر را ندارد، پس الله سبحانه و تعالی فرمود:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ۝ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا

رَشَدًا ۝﴾

ترجمه: (بگو: ای محمد) من فقط پروردگار خود را می‌خوانم (عبادت میکنم) و کسی را با او شریک نمی‌کنم ۲۱
 (بگو: من مالک هیچ گونه زبانی برای شما نیستم و نمی‌توانم شما را هدایت کنم. ۲۲) [الجن: ۲۱، ۲۲]، الله متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ
 الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ
 يُؤْمِنُونَ ﴿۱۸۸﴾﴾

ترجمه: (بگو: (دانستن وقت قیامت چه) بلکه من مالک (جلب) نفع و (دفع) ضرری برای خود نیستم مگر چیزی را که الله (دربارهٔ من) بخواهد، و اگر من غیب را می‌دانستم منافع زیادی (به نفع خود) می‌افزودم، و هیچ ضرری به من نمی‌رسید (بلکه) من نیستم مگر ترساننده و مژده دهنده برای قومی که ایمان می‌آورند).
 [الأعراف: ۱۸۸].

و آیت‌ها درین معنا زیاد اند.

و معلوم است که پیامبر صلی الله علیه وسلم جز پروردگار خود را فرا نمی‌خواند، چنانکه از وی ثابت است که ایشان در روز بدر از الله متعال طلب کمک و فریادری می‌کرد، و در برابر دشمن خود از وی طلب نصرت می‌نمود، و در این مورد اصرار می‌ورزید و می‌فرمودند: «یا رب! أنجز لی ما وعدتني». تا اینکه صدیق اکبر ابوبکر رضی الله عنه گفت: ای رسول الله! برایت کافی است، زیرا الله متعال آنچه را به تو وعده داده برآورده خواهد کرد. و الله سبحانه در این مورد این فرمودهٔ خود را نازل کرد:

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِآلِفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ

مُرْدِفِينَ﴾

ترجمه: (وقت که از پروردگارتان یاری خواستید، پس دعای شما را قبول کرد که من شما را با هزار فرشته که پشت سر یکدیگر قرار دارند، مدد می‌کنم. ۹۰) [الأنفال: ۹]، پس الله سبحانه و تعالی در این آیات، فریاد طلبی شان را یادآوری نموده، و خبر داد که آن را اجابت کرده و با فرشتگان مدد رسانیده است؛ تا مؤدۀ پیروزی و مایۀ اطمینان باشد، و الله سبحانه و تعالی بیان داشت که پیروزی از سوی فرشتگان نیست، بلکه پیروزی تنها از جانب اوست، پس الله متعال فرمودند:

﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...﴾

ترجمه: (و نصرت نیست مگر از جانب الله...) [آل عمران: ۱۲۶]،
و او جل جلاله می فرماید:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

ترجمه: (البته الله شما را در (جنگ) بدر نصرت داد، در حالیکه (در نظر دشمن) کم و حقیر بودید، پس از الله بترسید تا شکر (او را) به جا آورید). [آل عمران: ۱۲۳]. پس الله متعال در این آیه بیان نمود که او سبحانه و تعالی یاری کننده آنها در روز بدر است، و با این دانسته شد که آنچه از اسلحه و قوت برایشان عطا نمود، و فرشتگانی که به کمک آنها فرستاد، همه اینها از اسباب پیروزی، بشارت و اطمینان قلب می باشد، و پیروزی از اینها نیست، بلکه تنها از جانب الله متعال است. پس چگونه این نویسنده یا دیگران جرأت می کنند که استغاثه و

طلب نصرت را از پیامبر صلی الله علیه وسلم بخواهند، و از پروردگار جهانیان که مالک هرچیز و بر هرچیز تواناست، روی بگردانند؟ شکی نیست که این از قبیح ترین جهالت، بلکه از بزرگترین شرک است، پس بر نویسنده واجب است که به درگاه الله متعال توبه نصوح نماید، و توبه نصوح مشتمل بر چندین امر است که عبارتند از: اول: پشیمانی از آنچه واقع شده. دوم: دست کشیدن از آنچه از آن واقع شده، و سوم: عزم بر عدم بازگشت به آن، برای تعظیم الله متعال و اخلاص برای او، و امتثال امر او، و پرهیز از آنچه از آن نهی کرده است، این است توبه نصوح. و امر چهارم، مخصوص به بدی در حق مخلوقات است: چهارم: برگرداندن حق به مستحق آن، یا طلب حلالیت از او.

الله متعال بندگان را به توبه امر نموده، و قبول آن را وعده داده است، چنانکه می فرماید:

﴿...وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

ترجمه: (ای مومنان! همگی به دربار الله توبه کنید تا رستگار شوید). [النور: ۳۱]، و در حق نصارا می فرماید:

﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

ترجمه: (آیا (بر شرک پایدار اند و) به دربار الله توبه نمی کنند و از وی آمرزش نمی خواهند؟ در حالیکه الله بخشنده مهربان است). [المائدة: ۷۴]، الله متعال می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ

إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزُنُونِ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾ ﴿

ترجمه: (و آنانی که با الله معبود دیگری را نمی خوانند و نفسی را که الله (خونش را) حرام کرده است جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند. و هرکس چنین کند، مجازات آن را می بیند. ۶۸. برای او عذاب در روز قیامت دو چندان می گردد و خوار و زار و جاودان در آن می ماند. ۶۹.

مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پس ایشان اند که الله بدی هایشان را به نیکی ها تبدیل می کند و الله آمرزنده مهربان است. ۷۰. [الفرقان: ۶۸-۷۰]، الله متعال می فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ ﴿٧١﴾

ترجمه: (و اوست ذاتی که توبه را از بندگان می پذیرد و از گناهان در می گذرد و آنچه را انجام می دهید، می داند). [الشوری: ۲۵].
و از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند:
«اسلام گناهان گذشته را از بین می برد، و توبه گناهان گذشته را محو می سازد.»

و این کلمات موجز را تحریر نموده ام؛ به سبب بزرگی خطر شرک، و این که آن بزرگترین گناهان است، و از بیم فریب خوردن به آنچه از این نویسنده صادر شده، و به خاطر واجب بودن نصیحت برای الله

و بندگانش. و از الله جل جلاله می خواهیم که به واسطه آن بهره مند سازد، و احوال ما و همه مسلمانان را اصلاح نماید، و بر همه ما با آگاهی در دین و استقامت بر آن منت نهد، و ما و مسلمانان را از شر نفس های ما و بدی اعمال ما در پناه خود قرار دهد، هر آئینه او بر آن ولایت و توانایی دارد.

وصلی الله وسلم وبارك علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وصحبه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالة سوم:

حکم طلب کمک از جن و شیطان ها و نذر برای آنها

از عبد العزیز بن عبد الله بن باز برای هر مسلمانی که آن را می بیند، الله متعال من و ایشان را برای تمسک به دینش و ثبات بر آن توفیق دهد، آمین.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اما بعد: برخی از برادران از من در مورد آنچه بعضی از جاهلان انجام می دهند، پرسیدند؛ از قبیل طلبیدن از غیر الله سبحانه، و یاری طلبیدن از او در کارهای مهم؛ مانند طلبیدن از جن ها و طلب کمک از آنان، نذر به آنان و ذبح به آنان. و از جمله آن نیز، گفتار برخی از آنان است: (ای هفت تن)، یعنی: هفت تن از سران جن ها، او را بگیرید، استخوان هایش را بشکنید، خونس را بنوشید، او را مثله کنید، ای هفت تن با او چنین و چنان کنید، یا گفتار بعضی ها: (او را بگیرید ای جن های چاشت، ای جن های عصر)، و این کار در بعضی مناطق جنوبی بسیار یافت می شود، و از آنچه به این امر ملحق می شود: طلبیدن از مرده ها از پیامبران و صالحان و غیر آنان، و طلبیدن از ملائکه و طلب کمک از آنان، این همه امور و امثال آن از بسیاری کسانی که خود را به اسلام نسبت می دهند، از روی جهل و تقلید از گذشتگان شان سر میزند، و چه بسا که بعضی از آنها در این مورد سهل انگاری کرده و چنین استدلال میکنند که: "این صرف حرفی است که بر زبان می آید، ما نه قصد آن را داریم و نه به آن معتقد هستیم. و همچنان از من پرسید: درباره حکم ازدواج با کسی که به این کارها

شناخته شده است، و ذبیحه های آنان، و نماز خواندن بر آنان و در عقب آنان، و درباره تصدیق کردن جادوگران و عرافان؛ مانند کسی که ادعای شناخت بیماری و اسباب آن را صرفاً با دیدن چیزی که با بدن بیمار تماس داشته است، می کند؛ مانند دستار، شلوار، چادر و امثال آن.

و جواب: الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبی بعده، وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهدیهם إلى يوم الدين.

اما بعد: به تاکید الله متعال ثقلین (انس و جن) را آفریده است تا تنها او را پرستش کنند، و او را به دعا، استغاثه، ذبح، نذر و سایر عبادات مخصوص گردانند، و پیامبران را برای این (هدف) فرستاده و به آن دستور داده است، و کتاب های آسمانی را که بزرگترین آن قرآن کریم است، برای بیان و دعوت به سوی آن، و برای برحذر داشتن مردم از شرک ورزیدن به الله و پرستش غیر او، نازل نموده است. و این اصل اصول و اساس ملت و دین است، و این معنای گواهی دادن به لا اله الا الله، و حقیقت: نیست معبود بر حق جز الله، که الوهیت و عبادت را برای غیر الله نفی می کند، و آن را - یعنی: عبادت را- برای الله یکتا اثبات می کند، نه برای غیر او از سایر مخلوقات. و دلایل بر این از کتاب الله و سنت رسولش ﷺ بسیار زیاد اند، که از آن جمله این فرموده او جل جلاله است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

ترجمه: (و من جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند). [الذاریات: ۵۶]. و این قول الله پاک:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾

ترجمه: (و پروردگارت حکم کرد که جز او چیزی را عبادت نکنید...)
[الإسراء: ۲۳]، و قول الله متعال:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ...﴾

ترجمه: (حال آن که مأمور نبودند مگر این که الله را خالصانه عبادت کنند که برای او دین و عبادت خود را خالص سازند و از شرک به توحید بازگردند...) [البینة: ۵]، و قول الله متعال:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

ترجمه: (و پروردگارتان می فرماید: مرا به دعا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم، بی گمان آنانکه از عبادت من تکبر می ورزند، به زودی با خواری و ذلت وارد دوزخ می شوند. ۶۰) [غافر: ۶۰] الله متعال می فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...﴾

ترجمه: (و چون بندگانم درباره من از تو سوال کنند، پس (به ایشان بگو) من به آنها نزدیک ام و دعای دعاکننده را هرگاه مرا بخواند قبول می کنم...) [البقرة: ۱۸۶].

پس او ذات پاک در این آیت ها بیان نموده است که او ثقلین (انس و جن) را برای عبادت خویش آفریده است، و به بندگان خویش در قرآن کریم، و بر زبان پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) امر و توصیه نموده است که تنها پروردگارشان را بپرستند.
و الله (جل و علا) واضح ساخت که دعا عبادت بزرگی است،

هرکس از آن سرکشی کند وارد دوزخ می شود، و بندگان را امر نمود تا تنها او را به دعا بخوانند، و خبر داده است که او نزدیک است و دعای شان را اجابت می کند، بنابراین بر همه بندگان واجب است که پروردگار شان را به دعا مخصوص گردانند؛ زیرا دعا نوعی از عبادت است که برای آن آفریده شده اند و به آن امر گردیده اند، و الله (جل جلاله) می فرماید:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٣٣﴾﴾

ترجمه: (بگو: یقیناً نماز من و عبادت من و زندگی من و مرگ من، همه برای الله؛ پروردگار جهانیان است. ۱۶۲)
 (هیچ شریکی برای او نیست، و به این (توحید) امر شده ام، و من نخستین مسلمانم. ۱۶۳) [الأنعام: ۱۶۲، ۱۶۳].

پس الله (متعال) پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) را امر نموده است تا برای مردم اعلام نماید که نمازش و قربانی اش - که عبارت از ذبح است-، و زنده گی و مرگش؛ برای الله پروردگار جهانیان است که هیچ شریکی ندارد، و بنابر این: کسی که برای غیر الله قربانی کند، بدون شک با الله متعال شریک قرار داده است، همانطوریکه برای غیر الله نماز بخواند؛ زیرا الله (متعال) نماز و قربانی را قرین یکدیگر قرار داده است، و خبر داده است که آن دو تنها برای الله است که هیچ شریکی ندارد، پس کسی که برای غیر الله از جن ها، ملائکه، مردگان و غیره ایشان ذبح نماید، تا به آنها نزدیکی جوید، مانند کسی است که برای غیر الله نماز خوانده باشد. و در حدیث صحیح آمده است که پیامبر (علیه الصلاة والسلام) فرموده است: "الله لعنت کسی را که برای

غیر الله ذبح نماید". و امام احمد به سند حسن از طارق بن شهاب رضی الله عنه تخریج نموده که پیامبر ﷺ فرمودند: «دو مرد از کنار قومی عبور کردند که بتی داشتند و هیچ کس از کنار آن عبور نمی کرد مگر اینکه چیزی برایش قربانی می کرد، به یکی از آن دو گفتند: قربانی کن، گفت: چیزی ندارم که قربانی کنم، گفتند: قربانی کن، اگرچه یک مگس باشد، پس او مگسی را قربانی کرد، آنها نیز او را رها کردند، و در نتیجه وارد جهنم شد، و به دیگری گفتند: قربانی کن، گفت: من برای هیچ کسی غیر از الله جل جلاله چیزی را قربانی نمی کنم، پس گردنش را زدند، و در نتیجه وارد بهشت شد».

پس هرگاه کسی که با یک مگس و مانند آن به بت و امثال آن نزدیکی میجوید، مشرک شمرده شده و مستحق دخول آتش (جهنم) میگردد، پس حال کسی چگونه خواهد بود که جن و فرشتگان و اولیا را میخواند، و از آنها فریادرسی میخواهد، و برایشان نذر میکند، و توسط قربانی ها به آنها نزدیکی میجوید، و با این کار امید حفاظت مال، شفای مریض، یا سلامتی حیوانات و زراعت خود را دارد، و یا این کار را از ترس شر جن و مانند آن انجام میدهد؟! بدون شک کسی که این کار و مانند آن را انجام میدهد، برای مشرک بودن و مستحق داخل شدن به آتش (جهنم) بودن، از آن مردی که مگس را برای بت قربانی کرد، سزاوارتر است.

و همچنان او جل جلاله می فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۚ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَرِيمٌ﴾

هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾

ترجمه: (البته ما کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس الله را در حالیکه دین خود را برای او خالص گردانده ای، عبادت کن ۲ بدان که دین خالص مخصوص الله است و کسانی که به جای او دوستانی گرفته اند (می گویند): ما آنان را عبادت نمی کنیم مگر برای آنکه ما را به الله نزدیک کنند. البته الله میان آنها درباره چیزی که در آن اختلاف می ورزند، فیصله خواهد کرد، یقیناً الله دروغگوی ناشکر را هدایت نمی کند) [الزمر: ۱-۳]. الله متعال می فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾﴾

ترجمه: (و اینها غیر از الله چیزهایی را می پرستند که به آنان نه زیانی می رسانند و نه نفعی به آنان می رسانند، و می گویند: اینها شفاعت کنندگان ما نزد الله هستند. بگو: آیا الله را به چیزی که در آسمانها و در زمین (به وجود آن) علم ندارد، خبر می دهید؟ (اگر اینها حقیقت می داشتند در علم الله حتما می بودند) او پاک و برتر است از آنچه با وی شریک می سازند). [یونس: ۱۸].

الله متعال در این دو آیت خبر داده است که مشرکان به جای او، اولیایی از میان مخلوقات برگزیده اند، که آنها را با خوف، امید، ذبح، نذر، دعا و امثال آن همراه با عبادت می کنند، به این گمان که آن اولیاء، عبادت کنندگان شان را به الله نزدیک می سازند، و برایشان نزد او شفاعت می کنند، سپس الله متعال آنان را دروغگو خواند، و باطل

بودن شان را آشکار ساخت، و آنان را دروغگویان، کافران و مشرکان نامید، و ذات خود را از شرک آنان پاک و منزّه دانست، و الله جل و علا می فرماید:

﴿...سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

ترجمه: (... او پاک و برتر است از آنچه با وی شریک می سازند) [النحل: ۱]. پس با این دانسته شد که هرکس فرشته ای، یا پیامبری، یا جنی، یا درختی، یا سنگی را برگزیند و او را همراه با الله بخواند، و از او یاری بطلبد، و با نذر و ذبح به او تقرب جوید، به امید شفاعت او نزد الله و کسب تقرب نزد وی، یا به امید شفای بیمار، یا حفظ مال، یا سلامتی شخص غایب، و یا امثال اینها؛ پس چنین کسی در این شرک بزرگ و بلای وخیم گرفتار آمده است، که الله متعال در مورد آن فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾

ترجمه: (الله نمی بخشد این را که با او چیزی شریک قرار داده شود، و غیر از آن (شرک) را، برای کسی بخواهد می بخشد، و هرکس که (چیزی را) با الله شریک گرداند، پس در حقیقت به الله گناه بزرگی را افترا بسته است). [النساء: ۴۸]، الله متعال می فرماید:

﴿...إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾

ترجمه: (یقیناً هرکس به الله شریک آورد البته الله جنت را بر او حرام کرده و جایگاه او دوزخ است. و برای ظالمان هیچ مدد گاری نیست). [المائدة : ۷۲].

و شفاعت در روز قیامت ویژه اهل توحید و اخلاص است، نه اهل شرک، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که برایش گفته شد: ای رسول الله، خوشبخت ترین مردم که شفاعت تو را دریافت می نمایند چه کسانی اند؟ فرمودند: «هر کس بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مخلصانه از دلش» و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «برای هر پیامبری دعای مستجابی است؛ و هر پیامبری در دعای خود شتاب ورزید، اما من دعایم را برای شفاعت امتم در روز قیامت ذخیره کرده ام؛ و آن ان شاء الله به هرکس از امتم که بمیرد و چیزی را با الله شریک نساخته باشد، خواهد رسید».

مشرکان نخستین ایمان داشتند که الله پروردگار، آفریدگار و روزی دهنده شان است، بلکه به پیامبران، اولیاء، فرشته گان، درختان، سنگ ها و امثال آن متوسل می شدند، به این امید که نزد الله برایشان شفاعت کنند و آنها را به او نزدیک گردانند، چنانکه در آیات گذشته ذکر شد، پس الله به این خاطر عذرشان را نپذیرفت، بلکه در کتاب بزرگش بر آنان انکار ورزید، و آنان را کافران و مشرکان نامید، و ادعای شان را مبنی بر اینکه این معبودان برای شان شفاعت نموده و آنان را به الله نزدیک می سازند، تکذیب نمود، رسول الله ﷺ نیز عذرشان را نپذیرفت، بلکه به خاطر این شرک با آنان جنگید تا اینکه عبادت را تنها برای الله خالص گردانند، با عمل کردن به این فرموده او ذات پاک:

(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...)

ترجمه: (و با آنها بجنگید تا فتنه (کفر و شرک) باقی نماند و دین همه برای الله باشد...). [البقرة: ۱۹۳]. پیامبر ﷺ فرمودند: «امر شده‌ام تا با مردم بجنگم تا آنکه شهادت دهند که معبودی [به حق] نیست جز الله، و اینکه محمد فرستاده الله است، و نماز را برپا دارند، و زکات بدهند، پس چون چنین کردند جان‌ها و اموالشان را از من حفظ کرده‌اند مگر به حق اسلام، و حسابشان با الله است». و معنای سخن او ﷺ: «تا اینکه گواهی دهند که معبود برحق جز الله نیست» یعنی: تا الله متعال را در عبادت مخصوص گردانند، نه غیر او را. و مشرکین از جن‌ها می‌ترسیدند و به آنها پناه می‌بردند، پس الله متعال در این مورد سخن خویش را نازل فرمودند:

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾

ترجمه: (و اینکه مردانی از انسان به مردانی از جن پناه می‌بردند، پس به این وسیله بر سرکشی آنها افزودند). [الجن: ۶]. اهل تفسیر در معنای این قول از آیه کریمه چنین گفته‌اند:

﴿...فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾

ترجمه: (...پس به این وسیله بر سرکشی آنها افزودند) یعنی: ترس و وحشت؛ زیرا جن‌ها هنگامی که می‌بینند انسان‌ها به آنها پناه می‌برند، در نفس خود احساس بزرگی و تکبر می‌کنند، و در آن هنگام بر ترس و وحشت آنان می‌افزایند، تا اینکه عبادت شان را بیشتر کنند و به آنها پناه ببرند.

و الله متعال در عوض آن برای مسلمانان، پناه بردن به ذات خویش و کلمات تامه خویش را قرار داده و در این مورد می‌فرمایند:

﴿وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

ترجمه: (و اگر از جانب شیطان وسوسه‌ای به تو رسد، پس به الله پناه بجوی، همانا او شنوای داناست ۲۰۰) [الأعراف: ۲۰۰]، و قول الله جل جلاله:

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾

ترجمه: (ای پیامبر) بگو: پناه می‌برم به پروردگار صبح (سپیده دم)). و از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمودند: «هر کس در منزلی فرود آید و بگوید: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ) - یعنی پناه می‌برم به کلمات کامل الله از شر آنچه آفریده است - هیچ چیزی به او زیان نمی‌رساند تا زمانی که از آن منزلش کوچ کند».

و از آیات و احادیث گذشته، طالب نجات، و کسی که خواهان حفظ دین خود و سلامتی از شرک کوچک و بزرگ است، می‌داند که؛ وابستگی به مردگان و فرشتگان و جن‌ها و دیگر مخلوقات، و دعا کردن به آنها و پناه بردن به آنها و مانند آن؛ از اعمال اهل جاهلیت مشرکین، و از قبیح‌ترین انواع شرک به الله سبحانه است، پس واجب است آن را ترک کرده، از آن برحذر بود، به ترک آن توصیه نمود، و بر انجام دهنده آن انکار ورزید.

و اما کسی که از مردم به این اعمال شرکی شناخته شود، ازدواج با او، خوردن ذبیحه‌اش، خواندن نماز جنازه براو، و نماز خواندن در عقب او جایز نیست، تا اینکه از آن اعمال به سوی الله سبحانه توبه خویش را اعلان کند، و دعا و عبادت را تنها برای الله یگانه خالص گرداند، و دعا مغز عبادت است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دعاء همان عبادت است» و به لفظ دیگر از او صلی الله

علیه وسلم نقل شده است که فرمودند: «دعا مغز عبادت است». اما نکاح کردن با مشرکین: الله متعال فرموده است:

﴿وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا مَئِمَّةً مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾﴾

ترجمه: (و نکاح نکنید با زنان مشرک تا آنکه ایمان آورند، و کنیز مؤمن بهتر است از زن آزادی که مشرک باشد، اگرچه (حسن و جمال) زن مشرک شما را در تعجب اندازد، و زنان مسلمان را به نکاح مردان مشرک ندهید، تا آنکه ایمان آورند، البته غلام مؤمن بهتر است از مرد آزاد مشرک اگرچه (مال و جمالش) شما را در تعجب اندازد؛ آنها (زنان و مردان مشرک) مردم را به طرف دوزخ دعوت می‌دهند، و الله به فرمان خود بندگان را به سوی بهشت و آمرزش دعوت می‌دهد، و آیات (و احکام) خود را برای مردم بیان می‌کند تا یادآور شوند). [البقرة: ۲۲۱]، الله متعال مسلمانان را از ازدواج با زنان مشرک، از قبیل بت پرستان و پرستش کنندگان جن و فرشتگان و غیره، نهی کرده است، تا اینکه به اخلاص عبادت برای الله یگانه، و تصدیق رسول ﷺ در آنچه آورده است، و پیروی از راه او ایمان بیاورند. و از ازدواج دادن زنان مسلمان با مردان مشرک نهی کرده است، تا اینکه به اخلاص عبادت برای الله یگانه، و تصدیق رسول ﷺ، و پیروی از او ایمان بیاورند.

و الله سبحانه خبر داده است که کنیز مؤمن بهتر از زن آزاد مشرک است، هرچند که بیننده و شنونده را با زیبایی و نیکویی سخنش به

شگفت آورد، و اینکه بردهٔ مؤمن بهتر از مرد آزاد مشرک است، هرچند که شنونده و بیننده‌اش را با زیبایی، فصاحت، شجاعت و غیره به شگفت آورد، سپس اسباب این برتری را با این قول خویش سبحانه بیان نموده است:

﴿...أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ...﴾

ترجمه: (... آنها (زنان و مردان مشرک) مردم را به طرف دوزخ دعوت می‌دهند...) [البقره: ۲۲۱]. منظور از آن، مردان و زنان مشرک است؛ زیرا آنان با گفتار، اعمال، روش و اخلاق شان از دعوتگران به سوی دوزخ هستند، اما مردان و زنان مؤمن با اخلاق، اعمال و روش شان از دعوتگران به سوی بهشت هستند، پس چگونه اینان و آنان برابر می‌شوند!

و اما نماز بر مشرکین: الله متعال در مورد منافقین می‌فرماید:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهٖ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَآثُورًا لَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ (۸۵)

ترجمه: (و هرگز بر هیچ یکی از آنها که بمیرد، نماز (جنازه) مخوان و بر قبر هیچ یکی از آنها مه ایست، چون ایشان به الله و رسول او کافر شدند و در حال فسق (و بی‌ایمانی) مردند). [التوبة: ۸۴]، پس الله متعال در این آیه کریمه واضح ساخت که برمنافق و کافر نماز جنازه خوانده نمی‌شود؛ به دلیل کفر ورزیدن ایشان به الله و پیامبرش، و همچنان پشت سرشان نماز خوانده نمی‌شود، و امام مسلمانان قرار داده نمی‌شوند؛ به دلیل کفر و عدم امانت داری ایشان، و به دلیل دشمنی بزرگی که میان آنان و مسلمانان وجود دارد، و چون آنان اهل

نماز و عبادت نیستند؛ زیرا کفر و شرک هیچ عملی را باقی نمی گذارد، از الله متعال از آن خواهان عافیت هستیم. و اما در مورد خوردن ذبایح مشرکین: الله جل جلاله در بیان حرام بودن حیوان مرده و ذبایح مشرکین می فرمایند:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أُولِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾

ترجمه: (از ذبحی که نام الله بر آن یاد نشده است مخورید چون خوردن آن) فسق و نافرمانی است، بی گمان شیاطین به دوستان خود القا می کنند تا با شما مجادله کنند، اگر از ایشان اطاعت کنید، یقیناً شما هم مشرک می شوید). [الأنعام: ۱۲۱]، پس الله جل جلاله مسلمانان را از خوردن مردار و ذبیحه مشرک منع نموده است؛ زیرا مشرک نجس است، و از اینرو ذبیحه او در حکم مردار میباشد، حتی اگر نام الله را بر آن یاد کند؛ زیرا نام بردن الله از جانب او باطل بوده و هیچ اثری ندارد؛ چون این عمل یک عبادت است، و شرک ورزیدن عبادت را از بین برده و آنرا باطل میسازد، تا زمانی که مشرک به درگاه الله سبحانه توبه نماید. الله متعال طعام اهل کتاب را در این فرموده خویش روا نموده است:

﴿...وَطَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ...﴾

ترجمه: (... و طعام اهل کتاب برای شما حلال است، و طعام شما (نیز) به آنها حلال است...). [المائدة: ۵]، زیرا آنها خود را به یک دین آسمانی منسوب می کنند، و ادعا می نمایند که از پیروان موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام هستند، هرچند در این ادعای خود

دروغگو میباشند، الله متعال دین شان را با بعثت محمد ﷺ برای عموم مردم نسخ و باطل گردانیده است، لیکن الله (جل و علا) طعام اهل کتاب و زنان شان را برای ما حلال گردانیده است؛ این کار به سبب حکمت بزرگ و رازهای نهفته یی است که اهل علم آن را واضح ساخته اند، برخلاف مشرکین که عبادت کنندگان بت ها و مردگان (از قبیل انبیاء، اولیاء و غیره) هستند؛ زیرا دین آنها هیچ اصل و اساسی ندارد، بلکه از بنیاد باطل است، بنابر این، ذبیحه آنها مردار بوده، و خوردن آن مباح نیست.

و اما گفتار شخص برای کسی که با او سخن می گوید: (جن تو را زده است)، (جن تو را گرفته است)، (شیطان تو را با خود برده است)، و امثال آن، پس این از باب دشنام و شتم است، و این در میان مسلمانان جایز نیست، مانند سایر انواع دشنام و شتم، و این از باب شرک نیست، مگر اینکه گوینده ی آن اعتقاد داشته باشد که جن در مردم بدون اذن و مشیت الله متعال تصرف می کنند، پس هر کس که چنین اعتقادی در مورد جن یا دیگر مخلوقات داشته باشد، به سبب این اعتقاد کافر است؛ زیرا الله سبحانه مالک هر چیز، و برهر چیز توانا است، و او نفع رساننده و ضرر رساننده است، و هیچ چیزی وجود ندارد مگر به اذن، خواست و تقدیر پیشین او، چنانکه الله جل جلاله به پیامبرش ﷺ امر فرمودند تا مردم را از این اصل بزرگ با خبر سازد:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾﴾

ترجمه: (بگو:) دانستن وقت قیامت چه) بلکه من مالک (جلب) نفع و (دفع) ضرری برای خود نیستم مگر چیزی را که الله (درباره من) بخواهد، و اگر من غیب را می دانستم منافع زیادی (به نفع خود) می افزودم، و هیچ ضرری به من نمی رسید (بلکه) من نیستم مگر ترساننده و مژده دهنده برای قوم که ایمان می آورند) [الأعراف: ۱۸۸]، پس وقتی سرور و بهترین مخلوقات علیه الصلاة والسلام اختیار نفع و ضرر را برای خود ندارد، مگر آنچه الله بخواهد، پس حال دیگر مخلوقات چگونه است؟! و آیات در این مورد بسیار است.

و اما پرسیدن از عرفان، جادوگران، منجمان و امثال آنان که از امور غیبی خبر می دهند، این کار منکر و ناجایز است، و تصدیق آنان شدیدتر و منکرتر می باشد، بلکه از شاخه های کفر است؛ به دلیل این فرموده نبی صلی الله علیه وسلم: «کسی که نزد فالبینی برود و از او در مورد چیزی پرسد، چهل روز نمازش قبول نمی شود». مسلم در صحیح خویش روایت نموده است، و نیز در صحیح از معاویه بن حکم سلمی - رضی الله عنه - روایت است که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم از رفتن نزد فالبینان و پرسیدن از آنان نهی کرده است».

و اصحاب سنن از پیامبر ﷺ روایت کرده اند که فرمودند: «هر که نزد کاهنی برود و آنچه را می گوید تصدیق کند، همانا بر آنچه بر محمد ﷺ نازل شده، کافر گردیده است». احادیث در این مورد بسیارند. پس بر مسلمانان واجب است که: از پرسیدن از فالبینان، عرفان و سایر جادوگرانی که به خبر دادن از امور غیبی و فریب دادن مسلمانان مشغول هستند، بر حذر باشند، خواه به نام طبابت باشد یا غیر آن، به دلیل نهی پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن و بر حذر داشتن از آن که قبلاً بیان شد، و از این جمله است: آنچه را که بعضی از مردم به

نام طب، از امور غیبی ادعا می کنند، هنگامی که دستار مریض، یا چادر زن مریض، یا مانند آن را بوی می کند، می گوید: این مریض یا این زن مریض چنین و چنان کرده است، از امور غیبی که در دستار مریض و مانند آن دلالتی بر آن وجود ندارد، و هدف از این کار فقط فریب دادن عوام است، تا بگویند: او به طب، و انواع بیماری و اسباب آن آگاه است، و چه بسا برایشان مقداری دارو بدهد، و چه بسا که به تقدیر الله شفا حاصل شود، پس گمان می کنند که شفا به سبب داروی او بوده است، و گاهی بیماری به سبب بعضی از جن ها و شیاطین می باشد، که به آن مدعی طبابت خدمت نموده و او را از بعضی امور غیبی که بر آن اطلاع می یابند، خبر می دهند، پس (آن مدعی) بر آن اعتماد کرده، و جن ها و شیاطین را با عبادتی که مناسب حال شان است راضی می سازد، در نتیجه آنها از آن بیمار دست برداشته، و آن اذیت و آزاری را که در وجودش ایجاد کرده بودند ترک می کنند، و این امری است شناخته شده در مورد جن ها و شیاطین و کسانی که آنها را به خدمت می گیرند.

و بر مسلمانان نیز واجب است که از آن در حذر باشند، به ترک آن یکدیگر را سفارش نمایند، و بر الله سبحانه اعتماد نموده و در همه امور بر او توکل کنند، و در استفاده از دم و دعاها و شرعی و داروهای مباح، و معالجه نزد طبیبانی که مریض را معاینه نموده و با اسباب حسی و معقول از بیماری وی اطمینان حاصل می کنند، باکی نیست، و از پیامبر صلی الله علیه و سلم به ثبوت رسیده است که فرموده اند: «الله متعال بیماری را نازل نکرده مگر این که شفای برای آن نازل نموده است، آن را کسی می داند که آن را فرا گرفته باشد و جاهل می ماند کسی که آن را فرا نگرفته باشد». و او صلی الله علیه و سلم

فرمودند: «برای هر بیماری دواپی است، پس هرگاه دوا به بیماری برسد، به اذن الله متعال شفا می یابد». و او صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ای بندگان الله، تداوی کنید و با حرام تداوی نکنید». احادیث در این مورد بسیارند.

پس از الله جل جلاله می خواهیم که احوال همه مسلمانان را اصلاح نماید، و قلب ها و بدن های شان را از هر بدی شفا دهد، و آنان را بر هدایت متحد سازد، و ما و آنان را از فتنه های گمراه کننده و از اطاعت شیطان و پیروانش پناه دهد، او بر هر چیز توانا است، و هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به الله بلند مرتبه و بزرگ. و صلی الله وسلم وبارك علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وصحبه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله چهارم:

حکم تعبد به اوراد بدعتی و شرکی

از عبد العزیز بن عبد الله بن باز برای برادر ارجمند (.....)، الله او را برای هر خیر توفیق دهد، آمین.
سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أَمَّا بَعْدُ: مکتوب گرامی شما به دستم رسید، الله متعال شما را بسوی راهنمایی خود سوق دهد، و آنچه در آن درج نموده بودید که در دیار شما کسانی هستند که به اورادی تمسک می جویند که الله متعال برای آن هیچ دلیلی نازل نکرده است، که برخی از آن بدعت و برخی دیگر آن شرک می باشد، و آن را به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه و دیگران نسبت می دهند، و آن اوراد را در مجلس های ذکر، یا در مساجد بعد از نماز مغرب می خوانند، به گمان اینکه وسیله تقرب به الله است، مانند این گفته شان: به حق الله، ای مردان الله، ما را به یاری الله کمک کنید، و به یاری الله مددگار ما باشید. و مانند این گفتارشان: ای اقطاب، و ای اسیاد، ای صاحبان امداد، به ما پاسخ دهید، و برای الله شفاعت کنید، این بنده شماس است که ایستاده، بر درگاه شما معتکف، و از تقصیر خویش خائف است، ای رسول الله به فریاد ما برس، و جز شما کسی را ندارم که به سویش بروم، و مطلب از شما حاصل می شود، و شما اهل الله هستید، به حمزه سید الشهداء، و از شما برای ما مددی است، ای رسول الله به فریاد ما برس. و مانند گفتارشان: بارالها درود بفرست بر کسی که او را سبب انشقاق اسرار جبروتیهات و انفلاق انوار رحمانیهات گردانیدی، پس نایب از حضرت

ربانیه، و خلیفه اسرار ذاتیهات گردید.

و رغبت شما در بیان اینکه چه چیزی بدعت، و چه چیزی شرک است، و اینکه آیا نماز در عقب امامی که این دعا را می خواند صحیح است، همه اینها معلوم بود؟.

و جواب: الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبی بعده، وعلى آله وصحبه، ومن اهتدى بهداه إلى يوم الدين.

اما بعد: پس بدان . الله شما را توفیق دهد . که الله سبحانه، خلق را آفرید و پیامبران علیهم الصلاة والسلام را فرستاد تا تنها او را که شریک ندارد پرستش شود، نه غیر او، چنانکه الله متعال میفرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (٥٦)

ترجمه: (و من جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند) [الذاریات: ٥٦].

و عبادت -چنانکه بیان آن گذشت- عبارت است از: اطاعت از او سبحانه و تعالی و اطاعت از رسولش محمد صلی الله علیه وسلم؛ با انجام دادن آنچه الله و رسولش به آن امر کرده اند، و ترک آنچه الله و رسولش از آن نهی کرده اند، از روی ایمان به الله و رسولش، و اخلاص در عمل برای الله، همراه با نهایت محبت برای الله، و کمال فروتنی و تسلیم کامل تنها برای او تعالی نه برای غیر او؛ چنانکه الله متعال فرموده است:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾

ترجمه: (و پروردگارت حکم کرد که جز او چیزی را عبادت نکنید...) [الاسراء: ٢٣]. یعنی: امر و وصیت نمود که تنها او پرستش شود، الله

متعال می فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١﴾ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٢﴾ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٤﴾﴾

ترجمه: (تمامی سپاس و ستایش‌ها مخصوص ذات است که پروردگار تمام جهانیان است ۲)

بسیار بخشنده (و) بسیار مهربان است ۳

مالک (و اختیار دار) روز جزا (قیامت) است ۴

(پس ای الله! تنها) تو را عبادت می‌کنیم و (در کارهای خود) تنها از تو کمک می‌خواهیم ۵) [فاتحه: ۲-۵]. پس الله سبحانه و تعالی با این آیت‌ها بیان نمود: که تنها او سزاوار پرستش است، و تنها از او باید یاری خواسته شود. و الله (جل جلاله) می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...﴾

ترجمه: (البته ما کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس الله را در حالیکه دین خود را برای او خالص گردانده‌ای، عبادت کن ۲ بدان که دین خالص مخصوص الله است...) [الرَّمَر: ۲-۳]، الله متعال می‌فرماید:

﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿١٤﴾﴾

ترجمه: (پس الله را بخوانید در حالیکه عبادت و طاعت را برای او خالص کرده‌اید، هر چند کافران دوست نداشته باشند) [غافر: ۱۴].

الله متعال می فرمایند:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾

ترجمه: (و اینکه مساجد خاص برای عبادت الله است، پس کسی دیگر را با الله مخوانید) [الجن: ۱۸]، و آیت ها در این معنا زیاد اند، و همه آنها دلالت بر وجوب یگانه پرستیدن الله را می کند.

و معلوم است که دعا با انواع آن از جمله عبادت است، پس به اساس این آیات کریمه و آنچه در معنای آن آمده است، برای هیچ کسی جایز نیست که جز پروردگارش را بخواند، و از غیر او کمک و فریادرسی بخواهد. این حکم به جز امور عادی و اسباب حسی است که مخلوق زنده و حاضر بر آن قادر میباشد، زیرا این امور از جمله عبادت محسوب نمیشود، بلکه به نص و اجماع جایز است که انسان از انسان زنده و قادر، در امور عادی که توانایی انجام آن را دارد، کمک بخواهد؛ مانند اینکه از او برای دفع شر فرزند، خادم، یا سگش و امثال آن کمک بخواهد، و مانند اینکه انسان از انسان زنده، حاضر و توانا، یا از غایب، توسط اسباب حسی مانند نامه نگاری و امثال آن در ساختن خانه اش، یا ترمیم موترش، یا موارد مشابه آن، کمک بخواهد، و از جمله آن: مدد خواستن انسان از یارانش در جهاد و جنگ، و امثال آن. و از همین قبیل است قول الله متعال در قصه موسی علیه الصلاة والسلام:

﴿...فَاسْتَعَاثُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ...﴾

ترجمه: (و آن که از قومش بود، از موسی علیه آنکه از دشمنش بود کمک خواست...) [القصص: ۱۵].

و اما یاری طلبی از مرده ها، و جن و فرشته ها، و درختان و سنگ ها: این از جمله شرک اکبر است، و از جنس عمل مشرکین نخستین با معبودان شان می باشد؛ مانند عزی و لات و غیره، و همچنان یاری طلبی و کمک خواستن از آن زندگانی که به ولایت شان باور دارند، در اموری که جز الله کسی بر آن توانایی ندارد؛ مانند شفای بیماران، و هدایت قلب ها، و داخل شدن به بهشت، و نجات از آتش، و امثال آن.

و آیت های قبلی و آنچه که به معنای آنها از آیت ها و احادیث آمده است: همه آنها دلالت بر وجوب رو آوردن قلب ها به سوی الله در همه امور، و مخصوص گردانیدن عبادت برای الله یکتا می کند؛ زیرا بندگان برای همین آفریده شده اند، و به آن دستور داده شده اند - چنانکه در آیت ها گذشت-، و چنانکه او متعال فرموده است:

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...﴾

ترجمه: (و الله را عبادت کنید و با او چیزی را شریک نسازید...) [النساء: ۳۶]، و این قول الله پاک:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...﴾

ترجمه: (حال آن که مأمور نبودند مگر این که الله را خالصانه عبادت کنند که برای او دین و عبادت خود را خالص سازند...) [البینة: ۵]، و این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث معاذ رضی الله عنه که فرمودند: ترجمه: (حق الله بر بندگان اینست که او را بپرستند، و چیزی را با او شریک قرار ندهند). بر صحت این حدیث (بخاری و مسلم) اتفاق نمودند، و فرموده ایشان صلی الله علیه وسلم

در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه: «هر کسی در حالتی بمیرد که با الله شریک را می طلبد؛ وارد آتش می شود». به روایت بخاری. و در صحیحین از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که معاذ را به یمن فرستاد، برایش چنین فرمودند: «تو به سوی قومی از اهل کتاب می روی، پس بگذار اولین چیزی که آنها را به آن فرا میخوانی گواهی بر اینکه نیست معبود بر حق جز الله». و در لفظ دیگر: «آنان را به گواهی دادن بر اینکه معبودی جز الله نیست و من فرستاده‌ی الله هستم، فراخوان». و در روایت بخاری: "پس بگذار اولین چیزی که آنها را به آن فرا میخوانی توحید الله باشد". و در صحیح مسلم از طارق بن اشیم اشجعی -رضی الله عنه- روایت است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «کسی که: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید، و به آنچه غیر از الله پرستش می شود کافر شود، مال و خونس حرام است و حسابش نزد الله جل جلاله است». احادیث در این مورد بسیارند.

و این توحید، اصل دین اسلام، اساس ملت، سر همه امور و مهمترین فرائض است، و این همان حکمتی است که در آفرینش جن و انس، و در فرستادن جمیع رسولان علیهم الصلاة والسلام نهفته است، چنانکه آیاتی دال بر این موضوع قبلاً گذشت، و از آن جمله این، فرموده الله سبحانه است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

ترجمه: (و من جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند) [الذاریات: ۵۶]. و از جمله دلایل بر آن همچنان این فرموده الله جل جلاله است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾

ترجمه: (و به یقین ما در میان هر امتی پیامبری را فرستادیم (تا به مردم بگویند): الله را پرستید و از طاغوت اجتناب ورزید...) سوره [النحل: ۳۶]. وقول الله سبحانه و تعالی:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

فَاعْبُدُونِ ﴿٥٥﴾﴾

ترجمه: (و پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی می فرستادیم که هیچ معبود برحق غیر از من (الله) نیست، لذا تنها مرا عبادت کنید) [الانبیاء: ۲۵]. الله جل جلاله از نوح، هود، صالح و شعیب علیهم الصلاة والسلام خبر می دهد که برای قوم شان فرمودند:

﴿...اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ...﴾

ترجمه: (...الله را پرستید برای شما غیر از او (الله) هیچ معبودی (برحق) نیست...) [الأعراف: ۵۹]، و این دعوت همه رسولان است، چنانکه دو آیه گذشته بر آن دلالت می کند، و به تاکید دشمنان رسولان اعتراف کرده اند که رسولان آنان را به یگانه پنداشتن الله در عبادت، و ترک کردن معبودان که غیر از او پرستش می شوند، امر کرده اند، چنانکه الله جل جلاله در قصه عاد فرموده است، که آنها به هود علیه الصلاة والسلام گفتند:

﴿...أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا...﴾

ترجمه: (...آیا نزد ما آمده‌ای تا تنها الله را عبادت کنیم و آنچه را که پدران ما عبادت می‌کردند، ترک کنیم؟...) [الأعراف: ۷۰]، و الله سبحانه و تعالی درباره قریش، هنگامی که پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم ایشان را به عبادت الله یکتای، و ترک آنچه غیر از او می‌پرستیدند، مانند فرشتگان، اولیاء، بت‌ها، درختان و غیره، دعوت نمود، می‌فرماید:

﴿أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ﴾

ترجمه: (آیا معبودان (متعدد) را معبود واحد ساخته است؟ البته که این چیز بسیار عجیب است). [ص: ۵]. و الله سبحانه و تعالی درباره ایشان می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ﴾^(۳۵) وَيَقُولُونَ إِنَّا لَا تَارِكُونَ
ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ^(۳۶)

ترجمه: (آنان چنان بودند که چون به آنان گفته می‌شد: معبود برحق جز الله (یگانه) نیست، تکبر می‌ورزیدند^{۳۵} و می‌گفتند: آیا معبودهای خود را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه ترک گوئیم؟^{۳۶} [الصفات: ۳۵-۳۶]، و آیت‌های دال بر این معنا زیاد اند.

و از آنچه از آیات و احادیث بیان کردیم، برای شما روشن می‌شود - الله متعال من و شما را برای فهم دین و بصیرت در مورد حق پروردگار جهانیان توفیق دهد - که این دعاها و انواع یاری طلبی - که در پرورش خود بیان نمودید -، همه از انواع شرک اکبر به شمار می‌روند؛ زیرا اینها عبادت برای غیر الله، و درخواست اموری از مردگان و غایبان است

که جز او کسی بر آن قادر نیست، و این عمل از شرک پیشینیان قبیح تر است؛ چرا که پیشینیان تنها در حالت آسایش شرک می ورزیدند، و اما در مواقع سختی، عبادت را برای الله خالص می گردانند؛ زیرا می دانند که تنها او -سبحانه- بر نجات دادن شان از سختی توانا است، چنانکه الله متعال در کتاب روشنگر خود در مورد آن مشرکان فرموده اند:

﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾^(۶۵)

ترجمه: (و هنگامی که سوار کشتی شوند، الله را خالصانه و مخلصانه به دعا می خوانند، ولی چون آنان را به خشکی رسانده نجات دهد، ناگهان شرک می ورزند) [العنکبوت: ۶۵]، و الله سبحانه و تعالی در آیه دیگر خطاب به ایشان می فرمایند:

﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا﴾^(۶۷)

ترجمه: (و هرگاه در بحر سختی ها به شما رسد، جز الله همه کسانی را که می خوانید از نظرتان ناپدید می گردند، اما وقت که (الله) شما را نجات دهد و به خشکی برساند روی گردان می شوید. و انسان بسیار ناشکر است) [الإسراء: ۶۷].

پس اگر گوینده ای از این مشرکان متأخر بگوید: ما این را قصد نداریم که آنان به خودی خود فایده برسانند، و مریضان ما را شفا دهند، یا به ما سودی برسانند، یا زبانی وارد کنند، بلکه قصد ما در این

مورد فقط شفاعت آنها نزد الله متعال است؟

جواب این است که برایش گفته شود: این همان مقصد و مراد کفار پیشین است، و مراد شان این نبود که معبودهای شان می آفرینند یا روزی می دهند، یا به خودی خود نفع و ضرر می رسانند، زیرا این را آنچه الله در قرآن از آنها ذکر کرده است، باطل می سازد، بلکه آنها شفاعت و جاه و مقام آنها را می خواستند، تا آنها را به الله نزدیک سازند، چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعْنَا عِنْدَ اللَّهِ...﴾

ترجمه: (و اینها غیر از الله چیزهایی را می پرستند که به آنان نه زیانی می رسانند و نه نفعی به آنان می رسانند، و می گویند: اینها شفاعت کنندگان ما نزد الله هستند...) [یونس: ۱۸]، الله متعال پاسخ آن را این چنین ارایه نمود:

﴿...قُلْ أَتَنْتَبِهُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

ترجمه: (بگو: آیا الله را به چیزی که در آسمانها و در زمین (به وجود آن) علم ندارد، خبر می دهید؟ او پاک و برتر است از آنچه با وی شریک می سازند) [یونس: ۱۸]، پس الله سبحانه و تعالی بیان نمود که در آسمانها و زمین هیچ شفاعت کننده ای را نزد خود به آن شکلی که مشرکین در نظر دارند، سراغ ندارد، و هر چیزی که الله به وجود آن علم نداشته باشد، وجود ندارد؛ زیرا هیچ چیز بر او پوشیده نیست.

الله متعال می فرماید:

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾﴾

ترجمه: (فرود آوردن این کتاب از طرف الله غالب با حکمت است) ۱

البته ما کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس الله را در حالیکه دین خود را برای او خالص گردانده ای، عبادت کن ۲
بدان که دین خالص مخصوص الله است و کسانی که به جای او دوستانی گرفته اند (می گویند:) ما آنان را عبادت نمی کنیم مگر برای آنکه ما را به الله نزدیک کنند. البته الله میان آنها درباره چیزی که در آن اختلاف می ورزند، فیصله خواهد کرد، یقیناً الله دروغگوی ناشکر را هدایت نمی کند ۳) [الزمر: ۱ - ۳].

و معنای دین در اینجا عبادت است، و آن عبارت است از: پیروی از الله و پیروی از رسولش ﷺ - چنانکه گذشت-، و در آن داخل است: دعا و استغاثه، ترس و رجاء، ذبح و نذر، همچنان در آن داخل است: نماز و روزه، و غیره از آنچه الله و رسولش به آن امر کرده اند. پس او (سبحانه و تعالی) بیان نمود که عبادت مخصوص او یکتا است، و بر بندگان واجب است که آن را برای او (جل جلاله) خالص گردانند؛ زیرا امر او به پیامبر ﷺ برای خالص گردانیدن عبادت برای او، امری برای تمام این امت می باشد.

سپس الله متعال در مورد کافران بیان نموده و می فرماید:

﴿...وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى...﴾

ترجمه: (و کسانی که به جای او دوستانی گرفته اند (می گویند): ما آنان را عبادت نمی کنیم مگر برای آنکه ما را به الله نزدیک کنند) [الزمر آیه : ۳]. الله متعال پاسخ ایشان را این چنین ارایه نمودند:

﴿...إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

ترجمه: (البته الله میان آنها درباره چیزی که در آن اختلاف می ورزند، فیصله خواهد کرد، یقیناً الله دروغگوی ناشکر را هدایت نمی کند.) [الزمر: ۳]، الله متعال در این آیه کریمه خبر داده است: که کافران اولیاء را غیر از او نپرستیدند مگر برای اینکه آنها را به الله نزدیک سازند؛ و این همان مقصد کافران در گذشته و حال است، و الله متعال آن را با این فرموده خود باطل گردانیده است:

﴿...إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

ترجمه: (البته الله میان آنها درباره چیزی که در آن اختلاف می ورزند، فیصله خواهد کرد، یقیناً الله دروغگوی ناشکر را هدایت نمی کند) [الزمر: ۳]، پس الله متعال دروغ شان را در این ادعای شان که معبودهای شان آنان را به الله نزدیک می سازند، و کفر شان را به

سبب عبادتی که برای آنها انجام دادند، واضح ساخت؛ و بدین وسیله هر صاحب کمترین بصیرت می داند که کفر کافران پیشین همانا در این بود که پیامبران و اولیاء، و درختان و سنگ ها، و دیگر مخلوقات را به عنوان شفیعان میان خود و الله قرار می دادند. و اعتقاد شان این است که آنان نیازهای شان را بدون اجازه و رضایت او (سبحانه و تعالی) برآورده می سازند، همانگونه که وزیران نزد پادشاهان شفاعت می کنند، پس او (جل جلاله) را به پادشاهان و رهبران قیاس کردند. و گفتند: همانطوریکه کسی که به پادشاه و رهبر حاجتی دارد، به وسیلهٔ نزدیکان و وزیرانش نزد او شفاعت می طلبد، به همین ترتیب ما نیز با پرستش پیامبران و اولیای او به الله تقرب می جوئیم، و این از باطل ترین امور است؛ زیرا او ذات پاک هیچ شبیهی ندارد، و با مخلوقاتش مقایسه نمی شود، و هیچ کس نزد او شفاعت نمی کند مگر به اذن او برای شفاعت، و اجازه نمی دهد مگر برای اهل توحید، و او ذات پاک و متعال بر هر چیزی توانا و به هر چیزی دانا است، و او مهربان ترین مهربانان است، از هیچ کس نمی هراسد و ترسی ندارد؛ زیرا او ذات پاک بر بندگان خود غالب است، و در امور شان آنگونه که بخواهد تصرف می کند، برخلاف پادشاهان و رهبران، زیرا آنان بر هر کاری توانا نیستند، بنابراین به وزیران، خواص و سربازان شان نیاز دارند تا در اموری که از انجام آن عاجز می مانند، آنان را یاری دهند؛ همچنان نیاز دارند که نیازهای کسانی را که از آن بی خبرند، به آنان برسانند، و به کسانی از وزیران و خواص شان نیاز دارند که دلجویی شان نموده و رضایت شان را جلب نمایند، اما پروردگار عزوجل، سبحانه و تعالی از همه مخلوقات خود بی نیاز است، و بر آنان از مادران شان مهربان تر است، و او حاکم عادل است، و همه چیز را بر اساس حکمت، عمل و قدرت خود در جایگاه

مناسب آن قرار می دهد، پس به هیچ وجه نمی توان او را با مخلوقش مقایسه کرد، و به همین دلیل الله متعال در کتابش واضح ساخته است که: مشرکین اقرار کرده اند که او آفریدگار، روزی دهنده، تدبیر کننده است، و او ذات است که دعای درمانده را اجابت می کند، بدی را برطرف می سازد، زنده می کند و می میراند، و غیره افعال او سبحانه. و به تحقیق، نزاع میان مشرکین و پیامبران در خالص گردانیدن عبادت برای الله یکتا بود، چنانکه جل جلاله فرموده است:

{وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ...}

ترجمه: (و اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده است؟ حتماً می گویند: الله...) [الزخرف: ۸۷]، الله متعال می فرماید:

{قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٦﴾}

ترجمه: (بگو: (به مشرکان) کیست که از آسمان و زمین به شما روزی میدهد؟ یا کیست که مالک گوش و چشم ها است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می آورد، و کیست که مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و کیست که امور (عالم) را تدبیر (و حکم خود را در آن تنفیذ) می کند؟ (در جواب) خواهند گفت: «الله»، پس بگو: آیا (از الله) نمی ترسید؟! [یونس: ۳۱]، و آیت ها درین معنا زیاد است.

و پیش از این ذکر آیت های گذشته که دلالت بر آن دارد که نزاع و اختلاف بین پیامبران و امت های شان، تنها در مورد پرستش تنها الله

یکتا بوده است، طوری که او متعال فرموده است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّلَاطُوتَ...﴾

ترجمه: (و به یقین ما در میان هر امتی پیامبری را فرستادیم (تا به مردم بگویند): الله را پرستید و از طاغوت اجتناب ورزید...) [النحل: ۳۶]. و سایر آیت های که در این معنا آمده است. و الله متعال در بسیاری از جاهای کتاب کریم خود، شأن شفاعت را بیان نموده و فرموده اند:

﴿...مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...﴾

ترجمه: (کیست که نزد او شفاعت کند مگر به اجازه او) [البقرة: ۲۵۵]، و او عزوجل می فرماید:

﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ (۳۱)

ترجمه: (و چه بسا فرشتگانی در آسمانهاست (ولی) شفاعتشان سودی ندارد مگر بعد از آنکه الله برای هرکس که بخواهد و راضی شود، اجازه شفاعت دهد) [النجم: ۲۶]. و در وصف فرشتگان فرمودند:

﴿...وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ﴾

ترجمه: (و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که (الله) رضایت داده باشد، و آنان از بیم او ترسان اند) [الانبياء: ۲۸]. و الله متعال خبر داده است که از کفر بندگان راضی نیست، بلکه

از شکر آنان راضی است، و شکر همان توحید او و عمل به طاعت او می باشد، پس الله متعال فرموده اند:

﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ...﴾

ترجمه: (اگر کفر ورزید (بدانید که) الله از شما بی نیاز است، لیکن کفر را برای بندگان خود نمی پسندد. و اگر شکر بگزارید آن را برایتان می پسندد...) [الزمر: ۷].

بخاری در صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که وی گفت: ای رسول الله! خوشبخت ترین مردم که شفاعت تو را دریافت می نمایند کیست؟ فرمودند: «کسی که بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مخلصانه از قلبش» یا فرمودند: «از نفس او».

و در صحیح از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر پیامبری یک دعای مستجاب دارد، و هر پیامبری در دعای خود شتاب کرد، اما من دعایم را برای شفاعت امتم در روز قیامت ذخیره کرده ام؛ پس ان شاء الله این شفاعت بهره هرکس از امتم می شود که بمیرد درحالی که به الله هیچ شرک نورزیده باشد».

احادیث در این مورد بسیاراند.

و تمام آیت ها و احادیث که ذکر کردیم دلالت بر این می کند که عبادت حق ویژه الله یکتا است، و اینکه صرف نمودن چیزی از آن به غیر الله جایز نیست، نه برای پیامبران و نه برای غیر آنها، و اینکه شفاعت ملک الله جل جلاله است، چنانکه سبحانه فرموده است:

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا...﴾

ترجمه: (بگو: همه شفاعت‌ها برای الله است...) [الرُّمَر: ٤٤] و هیچ کس مستحق آن نیست، مگر بعد از اجازه او برای شفاعت کننده، و رضایتش از کسی که برایش شفاعت می شود، و او سبحانه و تعالی جز به توحید راضی نمی شود -چنانکه گذشت-. بنابراین، برای مشرکین در شفاعت هیچ نصیب نیست، و الله متعال این مطلب را واضح نموده و می فرماید:

﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ (٤٨)

ترجمه: (پس (این تکذیب کنندگان بی ایمان را) شفاعتی شفاعت کنندگان نفع نرساند) [المُدَّثَر: ٤٨]، الله متعال می فرماید:

﴿...مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾

ترجمه: (ظالمان هیچ دوست مخلص و دلسوز ندارند و هیچ سفارش کننده‌ای که سفارش اش قابل پذیرش باشد نیست) [غافر: ١٨].

و معلوم است که ظلم به طور مطلق، همان شرک ورزیدن به الله است، چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿...وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

ترجمه: (... و کافران همان ظالمان حقیقی اند) [البقرة: ٢٥٤]، الله متعال می فرماید:

﴿...إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

ترجمه: (هرآئینه شرک ظلم بزرگ است) [لقمان: ١٣].

اما آنچه در سوال ذکر گردید: از گفتار بعضی از متصوفین در مساجد و غیر آن که می گویند: الهی درود بفرست بر کسی که او را سبب شکافته شدن اسرار جبروت ات، و درخشیدن انوار رحمانی ات گردانیدی، پس نایب حضرت ربانی، و خلیفه اسرار ذاتی ات گردید.. و غیره.

پس جواب این است که گفته شود: این کلام و امثال آن از جمله تکلف و تنطع است؛ که پیامبر ما محمد ﷺ از آن هوشدار داده است؛ چنانکه مسلم در صحیح خود از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «تندروان هلاک شدند» این را سه بار گفتند.

امام خطابی رحمه الله فرموده است: المتنطع: کسی که در چیزی بسیار غور می کند و در جستجوی آن تکلف می ورزد؛ بر مذاهب اهل کلام که در آنچه به ایشان مربوط نیست داخل می شوند، و در آنچه عقل هایشان به آن نمی رسد غور می کنند.

ابوالسعادات ابن اثیر فرموده است: آنها سخت گیران و غلو کنندگان در سخن هستند که با آخرین قسمت حلقوم شان سخن می گویند، این واژه از «نطع» که سقف بالای دهان است، گرفته شده و سپس برای هر سخت گیر در گفتار و کردار استعمال شده است.

و از آنچه این دو امام از امامان لغت بیان داشته اند، برای شما و برای هر صاحب بصیرتی واضح می گردد که این کیفیت در درود و سلام بر پیامبر و سرور ما رسول الله ﷺ؛ از جمله تکلف و تنطع نهی شده است. و برای مسلمان در این مورد مشروع است که روش ثابت شده از رسول الله صلی الله علیه وسلم را در کیفیت درود و سلام بر او جستجو نماید، و این از غیر آن کفایت می کند.

و از آن جمله، آنچه بخاری و مسلم در صحیحین از کعب بن عجره رضی الله عنه روایت کرده اند که صحابه رضی الله عنهم گفتند: یا رسول الله! الله ما را امر کرده است که بر شما درود بگوییم؛ پس چگونه بر شما درود بگوییم؟ پس فرمودند: «بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». ای الله! بر محمد و بر آل محمد درود بفرست، همانگونه که بر ابراهیم و بر آل ابراهیم درود فرستادی، همانا تو ستوده شده و با عظمت هستی. و بر محمد و بر آل محمد برکت نازل کن، همانگونه که بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت نازل فرمودی، همانا تو ستوده شده و با عظمت هستی».

و در صحیحین از ابی حمید ساعدی - رضی الله عنه - روایت است که آنان گفتند: یا رسول الله! چگونه بر شما درود بگوییم؟ فرمودند: «بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». الهی! بر محمد و همسران و فرزندان رحمت نازل کن، همانگونه که بر آل ابراهیم رحمت نازل فرمودی، و بر محمد و همسران و فرزندان برکت نازل کن، همانگونه که بر آل ابراهیم برکت نازل فرمودی، همانا تو ستوده شده و با عظمت هستی».

و در صحیح مسلم از ابی مسعود انصاری رضی الله عنه روایت است که بشیر بن سعد گفت: یا رسول الله! الله به ما دستور داده است که بر شما درود بگوییم؛ پس چگونه بر شما درود بگوییم؟ پس

[ایشان] سکوت کردند، سپس فرمودند: «بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ؛ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ؛ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَالسَّلَامُ كَمَا عَلِمْتُمْ». الهی! بر محمد و آل محمد رحمت نازل کن؛ همانگونه که بر آل ابراهیم رحمت نازل فرمودی، و بر محمد و آل محمد برکت نازل کن؛ همانگونه که بر آل ابراهیم در میان جهانیان برکت نازل فرمودی، همانا تو ستوده و با عظمت هستی، و سلام فرستادن همانگونه است که آموخته‌اید».

پس این الفاظ و امثال آن و غیره -از آنچه که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است- همان الفاظ است که شایسته است مسلمان در درود و سلام خود بر رسول الله صلی الله علیه وسلم استعمال نماید؛ زیرا رسول صلی الله علیه وسلم داناترین مردم است به آنچه که شایسته است در حق ایشان به کار برده شود، همانطور که او داناترین مردم است به الفاظی که شایسته است در حق پروردگارش به کار برده شود.

اما الفاظ متکلفانه و نوپیدا، و الفاظی که احتمال معنای نادرستی را دارد، مانند الفاظی که در سوال ذکر شد، استعمال آنها شایسته نیست؛ زیرا در آن تکلف وجود دارد و ممکن است به معانی باطل تفسیر شود، و علاوه بر این، مخالف الفاظی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را برگزید و امتش را به سوی آن راهنمایی کرد؛ و او داناترین مخلوقات، خیرخواهترین آنان و دورترین شان از تکلف است؛ بهترین درود و سلام پروردگارش بر او باد.

امیدوارم آنچه از دلایل در بیان حقیقت توحید و حقیقت شرک، و فرق میان آنچه مشرکان نخستین و مشرکان متأخرین در این باب بر آن بودند، و در بیان چگونگی درود مشروع بر رسول الله صلی الله علیه وسلم ذکر کردیم، برای جویندگان حق کافی باشد. اما کسی که رغبت در معرفت حق ندارد، تابع هوای خویش است، الله جل جلاله می فرماید:

﴿فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾

ترجمه: (پس اگر دعوت تو را نپذیرفتند (و ایمان نیاوردند)، بدان که تنها از خواهشات خود پیروی می کنند. و کیست گمراه تر از کسی که بدون راهنمایی از (سوی) الله، از هوای و هوس خود پیروی می کند؟! یقیناً الله مردم ظالم را هدایت نمی کند) [القصص: ۵۰].

پس الله متعال در این آیه کریمه بیان نمود که مردم در برابر هدایت و دین حق که الله متعال پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم را با آن مبعوث نمود، به دو دسته تقسیم می شوند:

نخست: فرمانبردار الله و رسولش.

و دوم: کسی که از هوای نفس خود پیروی می کند؛ سپس الله سبحانه و تعالی خبر داده است که هیچ کس گمراه تر از کسی نیست که بدون هدایتی از جانب الله، از هوای نفس خود پیروی کند.

پس از الله (جل جلاله) عافیت از پیروی هوای نفس را می خواهیم، و اینکه ما، شما و سایر برادران ما را از اجابت کنندگان الله و رسولش ﷺ، و بزرگ شمارندگان شریعت او، و برحذر دارندگان از هر

آنچه مخالف شریعت او از بدعت ها و هواهای نفسانی است،
بگرداند.. هر آئینه او صاحب جود و کرم است.
وصلی الله علی عبده ورسوله؛ نبینا محمد وآله وأصحابه وأتباعه
بإحسان إلى يوم الدين.

prs^{۳۹۷۷} ۴,۰- ۲۰۲۶/۰۷/۰۴



رسالة الحرمين

پیام الحرمين

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبانهای مختلف

